

جایگاه چادر شب‌بافی و نمدمالی در خطه شمال

مصطفی خلعت بری‌لیماکی*

مقدمه

چادر شب‌بافی و نمدمالی یکی از هنرهای اصیل و دیرین در منطقه مازندران و گیلان است که سابقه آن به بیش از چند قرن می‌رسد. امروزه کارگاه‌های چادرشب‌بافی و نمدمالی که اغلب توسط اهالی روستاها برپا می‌شود، بسیار کم رونق شده و می‌رود تا به پیشه‌های فراموش شده^۱ بپیوندد. این هنرها در گذشته نه چندان دور، از رونق ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند و در این گونه کارگاه‌ها علاوه بر بافت انواع چادرشب و نمد، دستمال‌های ابریشمی و دستمال‌های گوناگون مانند «سارق - sâroq» و «چاشت دستمال čâšt dasmâl»، «شلوار و نیم‌تنه»، «شولا - šolâ»، کلاه و دیگر منسوجات به دست هنرمندان زن و مرد، با صبر و حوصله زیاد تهیه می‌گردید. در گذشته، در بیشتر منازل، دستگاه بافنده‌ای بود که به آن «پاچال - pâčâl» می‌گفتند و دختران نوجوان ملزوم به به یادگیری هنر چادرشب‌بافی بودند و مادر هم نقش مربی و معلم را ایفا می‌کرد. امروزه نیز در برخی منازل رامسر و تنکابن و رودسر، به ویژه قاسم آباد، پاچال برقرار است و برخی بانوان خانه‌دار در اوقات فراغت سرگرم چادرشب‌بافی هستند و کارگاه‌های نمدمالی نیز توسط مردان و اهالی روستاها در مناطق بیلاقی، به ویژه در جواهرده رامسر برپا می‌شود.

این مختصر تلاش دارد تا مراحل بافت چادرشب و تهیه نمد را در مناطق شمالی کشور همراه با تجهیزات مربوطه برای مخاطبان تشریح نماید. امید است ثبت و ضبط این هنرهای مردمی که از جان و دل آنها برخاسته است، باعث تداوم و ماندگاری آنها و ایجاد زمینه‌های لازم برای تولیدات رسانه‌ای گردد.

الف: چادرشب‌بافی

وسایل و ابزار برپایی پاچال

- **بدنه:** بدنه پاچال باید از چوب محکم و بادوام باشد تا بر اثر رطوبت هوا دچار پوسیدگی نشود.

- **نشانه:** یکی از ابزارهای مهم چادرشب‌بافی است، دندان‌هایش از شاخه‌های نازک نی تهیه می‌شود و چهارچوب آن مانند پاچال باید از چوب محکم و بادوام باشد. طول شانه نیم‌متر و عرض

* کارشناس ارشد تاریخ

آن ده سانتی متر با تعداد زیادی دندانهای ظریف و نازک است که به وسیله استادان ماهر ساخته می‌شود و قسمت بالای آن شبیه به تاج با نقش‌های زیباست.

- ورد /vard/: که از دو چوب نازک تهیه می‌شود و تعداد آن دو عدد است و به تعداد نخ‌های تار، رشته‌های محکم دارد و در بستر آن بسته است.

- نُرد /nord/: که تعداد آن دو عدد است؛ یکی در انتهای دستگاه برای جمع کردن تازه‌های تاییده شده و دیگری که در جلوی بافنده قرار دارد، ویژه جمع کردن پارچه بافته شده است. نرد پایین، به وسیله میله آهنین می‌چرخد.

- دستکش: از شاخ گاو یا گوزن تهیه می‌شود و کار عمده آن ثابت نگه‌داشتن نردپارچه جمع‌کن است و در سوراخ‌هایی که در انتهای یک سمت نرد وجود دارد، قرار داده می‌شود و یک سر دستکش به وسیله طنابی ظریف و محکم با دسته پاچال محکم بسته می‌شود تا نرد را محکم نگه دارد.

- هپاته /hapâte/: از چهار طناب ظریف و محکم تشکیل می‌شود و زیر سقف آویزان می‌گردد و قرقره‌ای چوبین به نام عروسک به آن چهار نخ متصل است و دو رشته طناب نسبتاً نازک و محکم شانه را به عروسک متصل می‌کند تا شانه به راحتی بتواند متحرک باشد و بالا و پایین برود.

- پاکتل /pâkotal/: این کتل در قسمت پایین پاچال قرار می‌گیرد و سر آن به ورد متصل است و پای راست بافنده روی آن نهاده می‌شود تا به راحتی بالا و پایین برود.

مراحل تهیه چادرشب

مرحله اول: **نخ پنبه یا ابریشم**. نایلون یا کاموا که به وسیله چرخ دستی، نخ‌ریسی شده است، روی قرقره تنیده می‌شود (در گویش محلی چرخ نخ‌ریسی را «چر - çar» می‌گویند).

مرحله دوم: **هرزه گرد**. آلتی است چوبین با پایه‌ای گردان که کلاف نخ یا ابریشم و غیره را روی آن قرار می‌دهند تا به ماسوره بزرگ چوبین تنیده شود.

مرحله سوم: **تنیدن چادرشب**. ابتدا چندین عدد چوب گرد و محکم نسبتاً باریک و بلند را که معمولاً از شاخه‌های شمشاد تهیه می‌شود و به طول ۱۲/۵ متر است، در فواصل دومتری در زمینی هموار و مسطح فرو می‌برند، آنگاه عمل تنیدن تار به صورت ضربدر از میان چوب‌ها انجام می‌گیرد. اما اگر پارچه بافتنی، پیراهنی باشد به طول هشت متر کافی است.

مرحله چهارم: «تاوشان - tâvošân». عملی است که روی تار انجام می‌شود. تار ابتدا از ورد و سپس از دندانهای شانه عبور داده می‌شود و در فواصل دومتری، چوب‌های گرد و باریک چهل سانتیمتری که نام محلی آن «رجه - raje» است، از وسط تارها عبور داده می‌شود.

پود چادرشب معمولاً از کاموا، نخ، پنبه، کج (نخی که از پيله نامرغوب ابریشم تهیه می‌شود) و ابریشم است که روی ماسوره کوچک چوبین جمع می‌گردد و در وسط «آستی -âsti» چوبین لوزی شکل که نام محلی آن «ماکو - mâku» است، می‌نهند. آنگاه عمل بافتن روی پاچال با بالا و پایین رفتن ورد به وسیله پاکتل و چپ و راست رفتن ماکو و ماسوره و محکم کوبیدن شانه روی تاروپود انجام می‌گیرد. هر اندازه از چادرشب که بافته شود، روی نرد پیچیده می‌شود. آخرین مرحله چادرشب‌بافی، بریدن آن در ابعاد مختلف است و پس از انجام برش، عمل دست دوزی و وصل کردن قطعات بریده به یکدیگر است. هر قطعه را تخته می‌نامند و بنا به میزان کوچکی یا بزرگی ابعاد آن به پنج تخته یا کمتر و شش تخته یا بیشتر تقسیم می‌شود.

انواع چادرشب

الف: چادر شب از لحاظ جنس و موادی که در آن به کار می‌رود، چند نوع است که عبارتند از: ۱- نخ قرقه‌ای، ۲- پشمی کاموایی که تاروپودش از نوع پشم یا کامواست، ۳- ابریشمی، ۴- کج و ابریشمی و ۵- نخ پنبه‌ای.

ب: از نظر نوع مرغوبیت جنس و نقش و نگار چادرشب‌ها به قالی گل و کج بوته‌ای تقسیم می‌شوند.

ج: از لحاظ ابعاد دارای اقسام زیر است:

۱- لاوند (لابند) یا رختخواب بند، که ابعاد آن $2 \times 1/80$ متر است. در این گونه چادرشب از تار نخ و پود پشمی یا کاموایی استفاده می‌شود.

۲- رومیزی، که از تاروپود مرغوب تهیه می‌گردد و اگر هشت نفره باشد، ابعاد آن $3 \times 1/5$ متر است.

۳- ویژه بستن کمر خانم‌ها که در سابق برای گرم نگهداشتن بدن خود، چادرشب را به کمر می‌بستند و همچنین با کودک خردسال را به پشت خود می‌بستند که امروزه تیز مورد استفاده برخی از زنان می‌باشد. ابعاد آن $2 \times 1/5$ متر است.

۴- روتختی: برای تختخواب دونفره باید به ابعاد $3 \times 2/40$ متر باشد.

۵- روبالشی و دکور خانه به ابعاد 60×60 .

۶- روپشتی به ابعاد مختلف.

۷- پیراهن مردانه (چهارخانه).

۸- کت و شلوار مردانه. دامن و پیراهن زنانه از نوع ابریشمی (نوع پشمی آن برای آقایان) که امروزه به ندرت یافته می‌شود.

۹- لنگ قُنداق نوزاد و یا لنگ به دوش گرفتن کودکان به طول حدوداً دو متر و عرض نیم متر.

۱۰- پرده اطاق به ابعاد مختلف.

۱۱- دستمال ابریشمی.

متأسفانه هم اکنون کارگاه‌های چادرشب‌بافی بسیار اندک هستند و بیشتر در مناطق روستایی و بیلاقی برپا می‌شوند. به جهت اینکه مرحله تنیدن تا چادرشب در محیط باز و بیشتر در فصل بهار انجام می‌گیرد، این فضا به همراه زن‌هایی که خود نیز اغلب چادرشب بر کمر بسته‌اند و از میان چوب‌هایی که بر زمین کوبیده شده است، این ظرف و آن ظرفی می‌روند و گاه ترانه‌های محلی با خود زمزمه می‌کنند، منظره بسیار جالبی را پدید آورده که دارای ویژگی‌های تصویری زیبایی است.

۱۲- دستمال مخصوص حمل غذای سفر یک روزه که در گویش محلی به آن چاشت دستمال یا سارق می‌گویند. ابعادش کمی بزرگتر از دستمال یزدی است و تاروپودش از نوع نخ پنبه می‌باشد. از این دستمال برای بردن غذای کارگران باغ و مزرعه نیز استفاده می‌شود. در رنگ آمیزی نخ‌های تاروپود چادرشب معمولاً از رنگ‌های طبیعی استفاده می‌شود. به‌طور مثال، برای رنگ قهوه‌ای از «روناس - ronâs» و برای رنگ لیمویی از «ویج - vij» (نوعی گیاه جنگلی با ساقه‌های بلند) استفاده می‌کنند.

متأسفانه هم اکنون کارگاه‌های چادرشب‌بافی بسیار اندک هستند و بیشتر در مناطق روستایی و بیلاقی برپا می‌شوند. به جهت اینکه مرحله تنیدن تار چادرشب در محیط باز و بیشتر در فصل بهار انجام می‌گیرد، این فضا به همراه زن‌هایی که خود نیز اغلب چادرشب بر کمر بسته‌اند و از میان چوب‌هایی که بر زمین کوبیده شده است، این طرف و آن طرف می‌روند و گاه ترانه‌های محلی با خود زمزمه می‌کنند، منظره بسیار جالبی را پدید آورده که دارای ویژگی‌های تصویری زیبایی است.

ب: نمدمالی

«نمدمالی یا نمت مالی - nomod- nomet mâli» از میان دیگر صنایع دستی مردم شمال کشور جنبه مصرفی عام‌تری دارد و عمدتاً به وسیله مردان زحمتکش بافته می‌شود و مستلزم کار بدنی طاقت‌فرسایی است. اساس تهیه نمد، داشتن پشم با ویژگی پیچ و تاب و لایه لایه بودن است که بر اثر رطوبت به هم بچسبند و پشم‌های آن در هم بتابند، به‌طوری که لایه‌های آن مانع از هم گسیختن شوند و در نتیجه زیراندازی گرم و مستحکم و به نسبت ارزان به دست آید که در برابر نفوذ رطوبت بسیار مقاوم باشد. جنبه مصرفی نمد به عنوان زیراندازی مناسب، بیش از وجه تزئینی آن است و هدف نمدمال از بافت نمد که این کار را در نهایت سختی و مشقت و اصالت انجام می‌دهد، هیچگاه تجارت و صادرات و یا هدیه دادن به کسی نبوده، بلکه بیشترین مورد استفاده آن ادامه زندگی و پوشاندن کف اتاق‌های سرد و نمناک است که البته اگر جایگاه آن در صنایع دستی به درستی مشخص و معلوم گردد، می‌تواند نقش مهم و مثبتی در اقتصاد کشور داشته باشد. امروزه باتوجه به وضعیت بسیار نامناسب کارگاه‌ها و عوارض آن که بعدها گریبانگیر نمدمال می‌شود و از طرفی طاقت فرسا بودن این کار و درآمد بیار کم آن، کمتر کسی به سوی این هنر کشیده می‌شود. به

هرحال برای ماندگاری این صنعت و هنر باید چاره‌ای اندیشیده شود تا از این مهجوریت به درآید و آینده‌ای روشن را پیش رو داشته باشد و گرنه شاهد نابودی تدریجی آن خواهیم بود. با این همه، امروزه، کارگاه‌های اندکی در مناطق روستایی برپاست که به تولید و فروش نمد مشغولند و خواسته یا ناخواسته سعی در حفظ این هنر بومی دارند.

ابزار و مراحل ساخت نمد

- ۱- ترازوی محلی که با آن پشم را وزن می‌کنند.
 - ۲- ماشین حلاجی: در گذشته بیشتر از کمان و «mošte»^۳ برای حلاجی پشم استفاده می‌شد. اما هم اکنون از ماشین حلاجی که برقی است، استفاده می‌کنند.
 - ۳- قیچی برای پَرک زدن: این قیچی را در لهجه محلی «doârd - دوآرد» می‌گویند.
 - ۴- قالب که از جنس کرباس است و یک طرف آن با چوبی به اندازه عرض کرباس، بسته می‌شود تا نمد را با آن لوله کنند و مالش دهند.
 - ۵- پنجره که از چوب ساخته می‌شود و برای پهن کردن پشم از آن استفاده می‌کنند.
 - ۶- «چشت بسته - čest baste» یا آب‌پاش که از یک دسته شاخ و برگ‌های شمشاد تهیه می‌شود و به جهت پاشیدن آب گرم روی نمد از آن استفاده می‌کنند.
- شیوه ساختن نمد در منطقه رامسر از گذشته، تاکنون تغییر چندانی نکرده است و به جهت شرایط آب‌وهوایی مرطوب این منطقه، از آب خالص زیاد استفاده می‌کنند.
- مراحل ساخت نمد و محصولات نمدی از آنجا که دارای شرایط سخت و دشوار است. باعث ایجاد ضرب‌المثل معروفی در بین مردم شده است که می‌گویند:
- «تی نمته لوله بابا - tinomete lole bâbâ» یعنی نمدت لوله شده و با سختی و دشواری روبرو شدی.»

مراحل ساخت نمد

مرحله اول، تهیه کردن پشم و حلاجی کردن آن:

ابتدا پشم گوسفند را که باید پاییزه باشد، تهیه می‌کنند؛ چون پشم‌های پاییزه دارای قدرت چسبندگی زیاد هستند و نیاز به کف صابون ندارند. در مقابل، پشم‌های بهاره قدرت چسبندگی ندارند و به همین دلیل از آنها برای کارهای لحاف‌دوزی و غیره استفاده می‌شود. پشم پاییزه را برای از بین بردن آلودگی، شستشو می‌دهند، سپس خشک می‌کنند و آنگاه با مشاین حلاجی یا کمان و رشته حلاجی می‌کنند. برای هر نمد در حدود سه تا پنج کیلوگرم پشم مورد نیاز است.

مرحله دوم، رنگریزی:

پشم‌ها معمولاً با رنگ‌های طبیعی و اخیراً شیمیایی رنگ می‌شوند و مراحل آن به این ترتیب است که ابتدا دیگ بزرگ یا پاتیل مسی را روی آتش می‌گذارند و داخل آن را حدود یک سوم، آب می‌ریزند و با چوبی بلند آن را هم می‌زنند تا خوب حل شود، پس از چند دقیقه پشم را داخل دیگ می‌ریزند تا رنگ را به خود جذب کند. پس از اینکه پشم، رنگ را به خود گرفت، آن را بیرون می‌آورند و در گوشه‌ای روی طناب یا چوب آویزان می‌کنند تا خشک شود. رنگ پشم مورد استفاده، سفید، سیاه، قرمز و جوزی است (رنگ جوزی ترکیبی از رنگ‌های زرد، خاکستری، و قهوه‌ای است). رنگ سبز به جهت اینکه نمایی در نمد ندارد، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جنبه مصرفی نمد به عنوان زیراندازی مناسب، بیش از وجه تزئینی آن است و هدف نمدمال از بافت نمد که این کار را در نهایت سختی و مشقت و اصالت انجام می‌دهد، هیچگاه تجارت و صادرات و یا هدیه‌دادن به کسی نبوده، بلکه بیشترین مورد استفاده آن ادامه زندگی و پوشاندن کف اتاق‌های سرد و نمناک است.

مرحله سوم، نقش زنی:

در این مرحله نمدمال، طرحی را که از قبل در ذهن آماده کرده است با استفاده از نخ‌های باریک پشمی و پشم رنگی، روی قالب کرباس به وجود می‌آورد. سپس روی این نقش، پشم زمینه دلخواه خود را به وسیله پنجره انجام می‌دهد. این عمل پشم‌ریزی ادامه می‌یابد تا قطر آن حدوداً به ۴۰ تا ۵۰ سانتیمتر برسد. بعد با پنجره آرام روی پشم‌ها می‌کوبند تا کمی فشرده شوند.

مرحله چهارم، بستن قالب:

پس از مرحله فوق با آب پاش (چشت بسته) آب جوش روی پشم‌ها می‌ریزند تا جذب هم شوند. آنگاه قالب کرباس را از سوئی که دار قالب به آن بسته شده است، لوله می‌کنند و بدین ترتیب نمد داخل کرباس به دور دار کرباس پیچیده می‌شود. پس از اینکه لوله شد، طنابی را به دو طرف دار کرباس می‌بندند و بعد طناب را به پشت گردن می‌اندازند و با پا شروع به حرکت و گردش دادن کرباس می‌کنند تا طناب به طور کامل دور قالب پیچیده شود، آنگاه طناب را از پشت گردن آزاد می‌کنند و محکم به قالب می‌بندند. بعد از این، قالب را حدود یک ساعت با پا مالش می‌دهند.

مرحله پنجم، بازکردن قالب و رفع عیب و بستن مجدد: پس از مالش قالب با پا، آن را باز می‌کنند. در این مرحله پشم‌ها به هم چسبیده‌اند. سپس نمد را به رو برمی‌گردانند و نقش‌های آن پدیدار می‌شود. اگر چنانچه نمد عیبی داشته باشد، به رفع عیب می‌پردازند لبه‌های نمد را که نامنظم است مرتب و منظم می‌کنند و پس از انجام این کار دوباره مثل قبل با پاشیدن آب داغ به نمد، آن را داخل قالب لوله پیچ می‌کنند، منتهی این بار نمد روبه داخل لوله می‌شود. سپس مالش آن همانند قبل انجام می‌شود.

مرحله ششم، بازکردن مجدد قالب و قراردادن روی تخته و مالیدن آن:

پس از آنکه نمد به اندازه کافی مالش داده شد، آن را از روی تخته برمی‌دارند و روی حصیری که کف کارگاه را پوشانده است، قرار می‌دهند که به این کار «ولنگ - Valeng» می‌گویند. کجی و ناراستی نمد را درست می‌کنند و با فشار دست و پا به مرتب کردن آن می‌پردازند. سپس نمد را بدون قالب لوله می‌کنند و در طول کارگاه به گردش در می‌آورند و با پا مالش می‌دهند. پس از اینکه به اندازه کافی مالش داده شد، آن را باز می‌کنند و با دست نقش‌هایی که می‌خواهند نمای بیشتری داشته باشد و یا پرک بزنند، به مقدار لازم باز می‌کنند تا به نمد نچسبد. پس از انجام این کار نمد را لوله می‌کنند و در داخل طشتی قرار می‌دهند تا آب آن کاملاً گرفته شود. سپس آن را در فضای باز می‌گذارند تا خشک شود. پس از خشک شدن، نقش‌ها پرک زده می‌شوند و این، پایان کار نمدمالی است. گفتنی است اگر نمد پشم‌های زاید داشته باشد، آن را با حرارت دادن به وسیله آتش از بین می‌برند تا نقش‌ها کاملاً ظاهر شوند.

انواع تولیدات نمد:

نمد در زندگی افراد منطقه نقش اساسی دارد و ماده اولیه تولیداتی نظیر شولا، عرق‌گیر، نمد، تلیک، کلاه‌گیر و کلاه است.

۱- شولا، بالاپوشی ساده و عموماً به رنگ سیاه است که همانند پالتوست و تا قوزک پا می‌رسد، منتها آستین ندارد و چوپانان هنگام رفتن به صحرا روی دوش خود قرار می‌دهند و یا برای زیرانداز هنگام خواب از آن استفاده می‌کنند.

۲- عرق‌گیر که برای قراردادن روی شانه چهارپایان، یعنی زیر پالان اسب، قاطر و غیره استفاده می‌شود.

۳- نمد و تلیک، که هر دو از جهت ساخت و نقش یکی هستند و تنها تفاوت آنها این است که نقش‌های تلیک (دندان‌اره‌ای) در پیرامون آن است، ولی نمد این نقش‌ها را در وسط دارد.

۴- کلاه‌گیر، ساده و به رنگ سیاه و همانند شولا است. تنها تفاوت آن با شولا این است که شولا تا قوزک پا می‌رسد، اما کلاه‌گیر کوتاه‌تر و همانند کت مردانه است.

۵- کلاه نمدی که معمولاً به رنگ سیاه است و روستاییان آن را بر سر می‌گذارند.

در پایان، شایان ذکر است که نمد در سایر نقاط ایران از جمله در فارس و کرمانشاه نیز ساخته می‌شود، اما تفاوت آنها در خشکی و نرمی آنهاست که در مناطق جنوبی و غربی به علت استفاده از آب صابون، نمدها خشک و زبر است (مثل سیاه چادرهای عشایر فارس)، اما نمدهایی که در شمال ساخته می‌شود، به علت رطوبت و استفاده از آب داغ، نرم می‌باشد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- از جمله پیشه‌های فراموش شده در منطقه تنکابن و رامسر، چموش دوزی است. چموش *camoš* که از پوست گوسفند دوخته می‌شد، نوعی پاپوش بود شبیه گیوه، نگارنده سعی دارد در آینده برخی از این پیشه‌های فراموش شده را شناسایی و معرفی کند.
- ۲- شولا *šolâ* نوعی بالاپوش مخصوص چوپانان است.
- ۳- رشته وسیله‌ای چوبی است که با آن روی کمان ضربه می‌زنند.

